

جبهه ها مشخص شد

مهمترین کمبود های مبارزه سیاسی ایرانیان خارج از کشور مشخص نبودن قطب و جبهه های سیاسی مبارزه بود و هر قدر هم که در این راستا کوشش شد که جبهه ها مشخص و قطب های مبارزه معلوم گردد متاسفانه ممکن نشد.

تظاهرات انتخاباتی خرداد ماه سال جاری (۲۰۰۹) و پیدایش جنبش سبز تحولی را در قطب بندی مبارزه ایرانیان خارج و داخل بوجود آورد که سالها مبارزه علیه جمهوری اسلامی به آن نیاز وافر داشت.

اظهارات به اصطلاح رهبران جنبش سبز سندی است که جبهه های مبارزاتی را مشخص و از یکدیگر مجزا و منفک می سازد. به این اسناد نگاه می کنیم:

سند اول اعلام خاتمی است:

«ما همچنان در مقام قدرت موجود باقی میمانیم البته در چهار چوب وضعی که اسلام و نظام و انقلاب را قبول دارد – ما همچنان، اصلاحات را بر مبنای دین میدانیم، مبدا هویتی خود را انقلاب اسلامی و چهار چوب حرکت خود را جمهوری اسلامی میدانیم»

سند دوم – اعلام موسوی است:

«راه سبز نماد حرکت و مطالبه بدون تنازل قانون اساسی است، نمی توان بخشهای از قانون اساسی را اجرا و بخش هایی دیگر را دور انداخت» ۲۲ مرداد سال ۲۰۰۹

«کسانی که مخالف جمهوری اسلامی هستند هیچگاه وارد جنبش سبز نشدند» موسوی ۱۲ آبان سال جاری (۲۰۰۹)

سند سوم – کروبی:

کروبی از رهبران جنبش سبز می گوید: «من همواره ارادتمند حکومت دینی هستم و به خاطر نظام اسلامی است که فعالیت های سیاسی چند ساله اخیر را سامان داده ام» سی ام تیر ماه سال جاری (۲۰۰۹)

اسناد بالا موید این برداشت است که رنگ سبز علامت و سمبل طرفداران جمهوری اسلامی و معتقد به حقانیت و مشروعیت قانون اساسی آن رژیم است و با اطمینانی که موسوی دایر بر اینکه هیچیک از مخالفین جمهوری اسلامی به جنبش سبز نپیوسته اند میتوان نتیجه گرفت که جنبش سبز، یک دست طرفداران جمهوری اسلامی هستند و مفهوم مخالف این برداشت چنین است که هیچ یک از موافقین تداوم اجرایی قانون اساسی مشروطیت نه اعتقادی به جنبش سبز دارند و نه به آن پیوسته اند.

«الستر کروک» مقاله ای در واشنگتن پست مورخ ۱۲-۷-۲۰۰۹ داشت که آن مقاله مربوط به جریان سبز و انتخابات ایران بود، نوشت: «موسوی را نمیتوان رهبر لیبرال های مخالف رژیم اسلامی شناخت»

البته اظهار نظر و برداشت «الستر کروک» قبل از اظهار و اعتراف موسوی به یکدست بودن افراد جنبش سبز از طرفداران جمهوری اسلامی بوده است ولی تردید نیست که «الستر کروک» با توجه به سابقه سیاسی و اعتقاد مذهبی و وابستگی عمیق موسوی به جمهوری اسلامی اظهار عقیده کرده است و از نظر اصولی و منطقی هم قابل قبول نیست که رهبر مخالفین جمهوری اسلامی از طرفداران پرو پا قرص جمهوری اسلامی باشد و جنبش سبز را هم سامان داده اند برای حفظ جمهوری اسلامی (مستند به اظهارات کروبی).

بدین طریق مبارزه ایرانیان خارج از کشور پس از ۳۰ سال آشفتگی اعتقادی در دو قطب مشخص، شکل حقوقی پیدا کرد. بدین طریق که کسانی که موافق جمهوری اسلامی و طرفدار حقانیت و مشروعیت قانون اساسی جمهوری اسلامی بودند و هستند از ردیف جامعه سیاسی برون مرزی ایرانیان خارج و زیر رهبری موسوی و کروبی و خاتمی قرار گرفتند و برای تشخیص موضع سیاسی خود رنگ سبز که سمبل جنبش موسوی و کروبی و خاتمی است را به خود بستند، و گروه عظیمی از ایرانیان خارج و داخل که پیرو حقانیت و اجرای قانون اساسی مشروطیت ایران هستند و نظام جمهوری اسلامی را غاصب و نامشروع میدانند با کناره گیری و عدم استفاده از رنگ سبز و علامت سبز موضع سیاسی و اعتقادی خود را نشان می دهند.

خدا گر ز حکمت ببندد دری ز رحمت گشاید در دیگری

امیر فیض - حقوقدان